

بررسی و تحلیل سند مناظرات امام رضا(ع) در عراق و خراسان

اصغر قائدان^۱، سید جمال موسوی^۲، جعفر خسرویان قله‌زو^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۹/۱۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۲/۱۶)

چکیده

مناظرات امام رضا(ع) در ادبیات دینی شیعه امامیه از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. با وجود آنکه برخی در اعتبار و اصالت آن‌ها تردید روا داشته‌اند اما مورد استفاده و استناد بسیاری از محدثان و پژوهشگران قرار گرفته و می‌گیرد. از این رو شایسته است مناظرات حضرت رضا(ع) در عراق و خراسان از نظر سندی و متنی مورد ارزیابی علمی قرار گیرد تا اعتبار و اصالت آن به روشن گردد. در این پژوهش، سند این مناظرات از نظر رجالی مورد بررسی قرار گرفته است. محمد بن فضل هاشمی، راوی مناظرات عراق و غالب رجال سند مناظرات خراسان مانند حسن بن محمد نوفلی، ابوعمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز الانصاری الکجی (حدود) و ابومحمد جعفر بن علی بن أحمد القمی الایلاقی معروف به ابن الرازی، از نظر برخی علمای رجال به دلیل متحد شمرده شدن با راویان موثق، افرادی ثقه و قابل اعتماد هستند. *الخراج و الجرائح* راوندی و *عیون اخبار الرضا(ع)* صدوق نیز، قدیمی‌ترین منابع این مناظرات هستند.

کلید واژه‌ها: حضرت رضا(ع)، رجال، راویان، سند مناظرات امام رضا (ع)، عراق، خراسان.

۱- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: qaedan@ut.ac.ir

۲- دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران؛

Email: Email: jmusavi@ut.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران؛

Email: j.khosravian48@gmail.com

۱. مقدمه

سلسلهٔ راویان و اسناد مناظره‌ها حضرت رضا(ع) در عراق و خراسان تاکنون همچون بسیاری دیگر از داده‌های روایی شیعه مورد بررسی و نقد رجالی دقیق و جامع قرار نگرفته است. بنابراین، برای اثبات وثاقت و اصالت متن مناظرات و نیز روشن ساختن میزان استحکام و قطعیت صدور آن، بررسی شرح حال راویان مناظره‌ها و جایگاه علمی و دینی آنان اجتناب ناپذیر خواهد بود. در این پژوهش، شرح حال راویان این مناظره‌ها با استفاده از منابع رجالی متقدم و متأخر بررسی شده و نظرات دانشمندان رجال به تفکیک هر یک از راویان استخراج و تبیین شده است. پژوهش حاضر بر اساس گزارش‌های دانشمندان علم رجال و با رویکردی توصیفی - تحلیلی به دو پرسش بنیادین پاسخ می‌دهد؛ آیا رجال سند روایت مناظره‌های حضرت رضا(ع) در عراق و خراسان از اعتبار و وثاقت لازم برخوردار هستند؟ آیا صرف‌نظر از محتوای مناظره‌ها، می‌توان از حیث سند، اصالت آن‌ها را اثبات کرد؟

در میان مناظره‌های حضرت رضا(ع)، نسبت به مناظره‌های بصره و کوفه که در سال ۱۸۳ قمری، مقارن با آغاز امامت ایشان و در این دو مرکز علمی صورت پذیرفته و توسط یک راوی گزارش شده، هیچ‌گونه بررسی سندی صورت نگرفته و دربارهٔ رجال سند مشترک مناظره‌های حضرت رضا(ع) با رؤسای یهود، نصاری و زرتشتیان و نیز متکلمان مسلمان و غیر مسلمان، تحقیق مستقل و جامعی انجام نشده است. شرح حال جامع یکی از رجال سند مناظره‌های خراسان و نیز برخی اظهار نظرهای پراکنده، آن هم فقط دربارهٔ رجال و راویان مناظره‌های خراسان و نه عراق، به شرح زیر ارائه شده است:

۱- یکی از محققان دربارهٔ سند مشترک مناظره‌های امام رضا (ع) با رؤسای ادیان و متکلمان در خراسان نوشته است: «روایت این خبر همه مهمل‌اند، یعنی در کتاب‌های رجال ذکر نشده‌اند و فقط حسن بن محمد نوفلی معتبر است و نامش در کتاب‌های رجال آمده و طبق گفتهٔ نجاشی، کتابی دارد» [۲۴، ج ۱، ص ۳۱۴، پاورقی]. این سخن دقیق نیست زیرا این راوی با همین عنوان (حسن بن محمد نوفلی) در کتاب‌های رجال نیامده است. نجاشی در رجال خود، حسن بن محمد بن سهل نوفلی را تضعیف و حسن بن محمد بن فضل نوفلی را توثیق کرده است و راویان این خبر نیز همه مهمل نیستند.

۲- نویسندهٔ مقالهٔ «ابومحمد جعفر بن احمد ایلاقی قمی» با رجوع به منابع رجالی و روایی، ضمن شرح حال مبسوط این راوی - که یکی از راویان سند مناظره‌های خراسان

است - به معرفی آثار و تألیفات او و بیان دیدگاه‌های جمعی از علمای شیعه درباره وثاقت و اعتبار وی پرداخته است [۳۹، ج ۱۳، ص ۶۳-۹۳].

۳- در مقاله «نگاهی تحلیلی بر شیوه مناظره امام رضا(ع) با بزرگان ادیان» نیز چنین آمده است: «راویان این خبر جز نوفلی همه مهمل هستند، یعنی در کتاب‌های رجالی شرح حالی از آن‌ها یافت نشده است. راوی اصلی این حدیث نوفلی است. در میان رجالیون، این روایت از دو تن یعنی حسن بن محمد بن سهل نوفلی و حسن بن محمد بن فضل نوفلی نقل شده که اولی تضعیف و دومی توثیق شده است. در میان راویان، حسین بن فضل نوفلی هم وجود دارد که ثبت مجالس امام رضا (ع) به او نیز نسبت داده شده است. رجالیون در اینکه این سه تن، یکی هستند یا متعدّدند، اختلاف نظر دارند. شوشتری در کتاب *قاموس الرجال* پس از بحثی مفصل بیان می‌دارد که احتمالاً این‌ها یکی هستند و تضعیف جناب نجاشی ناشی از آن است که توثیق وی با مذاق رجالی ایشان سازگار نبوده است. از این‌رو، حسن بن محمد بن سهل با حسن بن محمد بن فضل هر دو یکی هستند و موثق» [۲۰، ص ۵۰-۷۱]. نویسنده مقاله به درستی و به طور خلاصه درباره راوی مناظره‌های خراسان به نکته‌های فوق و نظر برخی از علمای رجال اشاره نموده اما درباره سایر رجال سند روایت و نیز راوی مناظره‌های عراق هیچ اظهار نظری کرده است. در سال‌های اخیر، به سبب برگزاری سالانه جشنواره ملی امام رضا(ع) در استان زنجان با موضوع ثابت مناظرات رضوی، مقاله‌های متعددی پیرامون ویژگی‌ها و محتوای این مناظرات از سوی محققان حوزه و دانشگاه تدوین شده و مجموعه مقالات منتخب از سال ۱۳۸۷ به بعد منتشر شده است و در میان آن‌ها مقاله‌ای که به بررسی سند مناظرات عراق و خراسان پرداخته باشد، دیده نمی‌شود.

۲. بررسی و نقد راوی مناظرات حضرت رضا(ع) در عراق

امام رضا(ع) در آغاز امامت خود به سال ۱۸۳ قمری جهت روشنگری و ارائه دلایل امامت و پاسخ به سئوال‌ها و شبهات، بعد از شهادت پدر بزرگوارشان سفری کوتاه به بصره و کوفه داشتند و در دیدار با علمای شیعه و مناظره با دانشمندان یهود، نصاری و فرقه‌های اسلامی، حقانیت نبوت پیامبر اسلام(ص) و امامت خود را با براهین متقن مطرح کردند و پس از آن به مدینه بازگشتند. در میان منابع موجود، قدیمی‌ترین و کامل‌ترین گزارش مناظرات بصره و کوفه، در کتاب *الخرائج و الجرائح* توسط قطب‌الدین ابوالحسین

سعید بن عبدالله راوندی (۵۷۳ ق) به نقل از محمد بن الفضل الهاشمی ارائه شده و در قرن‌های بعد، دیگران از او نقل کرده‌اند. نصیرالدین ابوطالب عبدالله بن حمزه طوسی (اواخر قرن ۶)، دانشمند معاصر قطب الدین راوندی نیز فقط مناظره بصره را در کتاب *الثاقب فی المناقب* به نقل از محمد بن الفضل الهاشمی آورده است.

۱.۲. محمد بن الفضل الهاشمی

محمد بن الفضل الهاشمی، تنها راوی مناظرات حضرت رضا(ع) در عراق است زیرا در قدیمی‌ترین منابع موجود این مناظرات، *الخرائج و الجرائح* و *الثاقب فی المناقب*، این روایت به صورت مرسل و بدون ذکر منبع آمده است. زمان تولد و فوت وی معلوم نیست. این راوی، علاوه بر ثبت و گزارش مناظرات حضرت رضا (ع)، یکی از مجالس شعر مأمون و نیز به نقل از پدر، جریان مناظره محمد بن عباس صولی با علی بن هیثم در حضور مأمون را گزارش کرده است [۸، ج ۱۰، ص ۳۲۳ و ج ۱۵، ص ۱۵۴]. از متن روایت مناظرات، روشن می‌شود که محمد بن فضل هاشمی از اهالی بصره و از اصحاب مورد اعتماد و مقرب حضرت رضا (ع) است و به دستور ایشان، خبر سفر امام (ع) را به اطلاع مردم بصره و کوفه رسانده است [۱۶، ج ۱، ص ۳۴۱ و ۳۴۸].

شیخ طوسی (۴۶۰ ق) نام محمد بن الفضل الهاشمی را با کنیه ابا الربیع در ذیل أصحاب امام باقر (ع) ذکر کرده و بدون کنیه و با پسوند المدنی جزء أصحاب امام صادق(ع) برشمرده است، بدون اینکه او را توثیق و یا تضعیف کند [۲۷، ص ۱۴۵ و ۲۹۲]. طوسی در رجال خود «در مجموع عنایتی به توثیق یا تضعیف راویان ندارد مثلاً از نظر توثیق، او بسیاری از راویان موثق را نام می‌برد بدون آنکه سخنی در توثیق آنان به میان آورد و تنها مشخص می‌کند که وی صحابی کدام امام است» [۴۱، ص ۳۲۵]. بنابراین، می‌توان احتمال قوی داد این راوی از نظر او موثق است. البته بعید است این راوی هم از اصحاب امام باقر(ع) باشد و هم از اصحاب حضرت رضا(ع)، لذا به احتمال زیاد وی در سنین جوانی از اصحاب امام صادق(ع) بوده و در پایان عمر از اصحاب حضرت رضا(ع) به حساب می‌آمده است و در سال ۱۸۳ قمری مناظرات عراق را گزارش کرده است. با اینکه محمد بن الفضل الهاشمی المدنی از سوی برخی محدثان [۳۸، ج ۶، ص ۳۵۶] و علمای رجال [۳۶، ج ۳، ص ۱۷۱] مجهول معرفی شده، اما نجاشی (۴۵۰ ق)، ذیل نام فرزند راوی مورد بحث، ابومحمد حسین بن محمد بن الفضل بن یعقوب بن سعد بن

نوفل بن الحرث بن عبدالمطلب، می‌نویسد: «از بزرگان خاندان هاشمی و ثقه است. به گفته ابوالعباس، پدر این راوی (محمد) و عموهایش (إسحاق، یعقوب و اسماعیل)، از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام حدیث روایت کرده‌اند و او ثقه بود» [۴۲، ص ۵۶]. بنابراین، با اینکه راوندی و عبدالله بن حمزه طوسی مناظرات عراق را به نقل از راوی مورد بحث گزارش می‌کنند اما علمای رجال از ذکر نام ایشان غفلت کرده‌اند.

میرزا محمد بن علی استرآبادی (۱۰۲۸ق) و وحید بهبهانی (۱۲۰۵ق) معتقدند: «توثیق دوم مربوط به پدر راوی (راوی مورد بحث) می‌باشد» [۴۷، ص ۳۲۴]. در نتیجه، محمد بن الفضل بن یعقوب، از نظر این دو ثقه است. خوبی، محمد بن الفضل الهاشمی را با ابوالربیع محمد بن الفضل الهاشمی که از اصحاب امام باقر(ع) است، متحد می‌داند [۱۵، ج ۱۸، ص ۱۴۴]. همچنین ایشان و برخی دیگر از علمای رجال نیز ابوالربیع محمد بن الفضل الهاشمی را با محمد بن الفضل الهاشمی المدنی متحد شمرده‌اند [۱۵، ج ۱۸، ص ۱۴۶؛ ۳۶، ج ۳، ص ۱۷۱؛ ۴۴، ج ۷، ص ۲۸۷] و عده‌ای نیز معتقدند محمد بن الفضل بن یعقوب بن سعد بن نوفل بن الحرث بن عبدالمطلب همان ابوالربیع محمد بن الفضل الهاشمی است [۱۵، ج ۱۸، ص ۱۴۴؛ ۴۷، ص ۳۲۴]. بنابراین می‌توان احتمال قوی داد همان طور که محمد بن الفضل الهاشمی راوی مناظرات بصره و کوفه است، دو پسر او حسن و حسین یا یکی از این دو نیز بنا بر نقل نجاشی درباره مناظرات حضرت رضا(ع) در خراسان کتاب ذکر مجالس الرضا(ع) مع اهل الادیان را تألیف کرده‌اند [۴۲، ص ۳۷ و ۵۶].

بعضی از دانشمندان رجال معاصر نیز محمد بن الفضل الهاشمی المدنی، ابوالربیع محمد بن الفضل الهاشمی و محمد بن الفضل بن یعقوب را متحد و یکی دانسته‌اند [۱۵، ج ۱۸، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ ۱۹، ج ۹، ص ۵۱۳-۵۱۴؛ ۳۶، ج ۳، ص ۱۷۲؛ ۴۴، ج ۷، ص ۲۷۶]. نمازی پس از نقل فقراتی از حدیث مناظره به نقل از راوندی، می‌نویسد: «راوندی در کتاب الخرائج و الجرائح روایت مفصلی را از ورود حضرت رضا(ع)، توأم با اعجاز به بصره و کوفه و آنچه که از احتجاجات و معجزات توسط حضرت در این دو شهر آشکار شد، بیان کرده است» [۴۴، ج ۷، ص ۲۸۷] و سپس در برابر کسانی که محمد بن الفضل الهاشمی را مجهول دانسته‌اند، می‌گوید: «در این روایت، نشانه‌ها و دلایلی بر حسن و کمال و امانت محمد بن فضل هاشمی وجود دارد که مجهول و ناشناخته بودن را از ایشان برطرف می‌کند». [همان] بنابراین، ابوالربیع محمد بن الفضل الهاشمی، محمد بن الفضل الهاشمی المدنی و محمد بن الفضل بن یعقوب بن سعد بن نوفل بن الحرث بن عبد

المطلب، همان راوی مناظرات بصره و کوفه و از اصحاب امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) یعنی محمد بن الفضل الهاشمی و ثقه است. در منابع روایی همچون، خبر محمد بن الفضیل (الفضل) الهاشمی راجع به تشریف به محضر امام صادق (ع) به همراه برادران هنگام عزیمت به حج، ثبت شده است [۱۵]، ج ۱۸، ص ۱۵۵]. مصاحبت فراوان محمد بن الفضل الهاشمی با امام رضا (ع) از این سخن او که گفته است: «از معجزات امام رضا (ع) آنقدر دیده‌ام که اگر امیرالمؤمنین (ع) را درک کنم، برایم مهم نیست که بیش از آن را ببینم» [۴۰، ص ۲۰۴] معلوم می‌شود محمد بن الفضل الهاشمی، در هیچ‌یک از منابع رجالی و روایی تضعیف نشده است. أبان بن عثمان الأحممر [۲۶، ج ۳، ص ۱۳۸ و ج ۷، ص ۳۹۴؛ ۳۳، ج ۳، ص ۴۶۱؛ ۴۵، ج ۹، ص ۸۶]، بیشتر از سایرین از محمد بن الفضل الهاشمی روایت نقل کرده است.

۳. بررسی و نقد راویان مناظرات حضرت رضا (ع) در خراسان

مناظرات خراسان در میان سال‌های ۲۰۰ تا ۲۰۲ قمری و در دوران ولایتعهدی حضرت رضا (ع) در مرو صورت گرفته است. *عیون اخبار الرضا (ع)* و *التوحید صدوق (۳۸۱ق)*، قدیمی‌ترین منابع مناظرات خراسان هستند. صدوق، سند مناظرات حضرت رضا (ع) با رؤسای ادیان مختلف و متکلمان را نقل کرده است [۲۱، ص ۴۱۷ و ۴۴۱؛ ۲۳، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹] که در ادامه، به شرح حال رجال این سند می‌پردازیم.

۱.۳. حسن بن محمد النوفلی الهاشمی

نام حسن بن محمد النوفلی الهاشمی، بدون کنیه، راوی مناظرات و از اصحاب حضرت رضا (ع) در مرو، تا قرن چهارم هجری به جز در سلسله سند مناظرات به روایت صدوق در *عیون اخبار الرضا (ع)* و *التوحید*، در هیچ‌یک از کتاب‌های روایی، تاریخی و رجالی موجود نیامده است و به صورت «أبو محمد حسن بن محمد النوفلی» در سلسله سند روایتی دیده می‌شود [۷، ص ۱۸۴]. از تاریخ تولد و فوت او اطلاعی در دست نیست. نجاشی به نام الحسن بن محمد بن سهل النوفلی، صاحب کتاب *ذکر مجالس الرضا مع أهل الأديان* و الحسن بن محمد بن الفضل بن یعقوب بن سعید بن نوفل بن الحارث بن عبد المطلب، ابومحمد، صاحب کتاب *کبیر* و کتاب *نسخه* اشاره کرده است [۴۲، ص ۳۷ و ۵۱]. علمای رجال از دیرباز در صدد پاسخگویی به این سؤال‌ها و ابهام‌ها بودند که آیا

این دو راوی با یکدیگر متحد هستند یا نه و اینکه آیا هر دو راوی مذکور با الحسن بن محمد النوفلی الهاشمی، راوی مناظرات حضرت رضا(ع) در مرو متحد یکی هستند یا خیر. وحید بهبهانی می‌گوید: «حسن بن محمد النوفلی همان حسن بن محمد بن الفضل است که از حضرت رضا(ع) روایت می‌کند و کتاب *مجالس الرضا(ع)* مع *أهل الملل* را نوشته است. صدوق در *عیون* هنگام نقل از این کتاب، اسم حسن بن محمد النوفلی الهاشمی را (بدون بیان نام کتابش) می‌آورد و سپس از این راوی، همواره به خاطر توصیف او به جدش نوفل، حسن بن محمد النوفلی تعبیر می‌کند» [۴۷، ص ۱۳۳]. محمد بن اسماعیل مازندرانی نیز بر همین اعتقاد، نظر محقق بهبهانی را نقل می‌کند [۳، ج ۲، ص ۴۶۱]. شوشتری نیز با صراحت، حسن بن محمد النوفلی، راوی مناظرات حضرت رضا(ع) در مرو را با حسن بن محمد بن فضل، که توسط نجاشی توثیق شده، متحد دانسته است [۱۹، ج ۳، ص ۳۶۹ و ۳۷۴ و ۵۳۱]. مامقانی، حسن بن محمد النوفلی را با حسن بن محمد بن فضل النوفلی یکی می‌داند که ثقه است و بحث‌های رجالی گسترده‌ای درباره اتحاد آن دو مطرح می‌کند [۳۶، ج ۱، ص ۳۰۹].

خویی نیز الحسن بن محمد بن سهل النوفلی، صاحب کتاب ذکر *مجالس الرضا* مع *أهل الادیان* را با الحسن بن محمد بن الفضل بن یعقوب، صاحب کتاب کبیر و کتاب نسخه و الحسن بن محمد النوفلی الهاشمی، راوی مناظرات حضرت رضا(ع) در مرو، متحد و یکی می‌شمارد [۱۵، ج ۶، ص ۱۳۴]. خویی همچنین الحسن بن محمد النوفلی الهاشمی را با الحسن بن محمد بن سهل و الحسن بن محمد الهاشمی، یکی و متحد می‌شمارد [همان، ج ۶، ص ۱۴۸].

نمازی نیز می‌نویسد: «صدوق در *عیون* و *التوحید*، مجالس و مناظرات حضرت رضا(ع) را نقل نکرده مگر از طریق حسن بن محمد النوفلی و اسم جد او را نیز نیاورده است. بنابراین، شاید حسن بن محمد النوفلی همان حسن بن محمد بن الفضل بن یعقوب یا حسن بن محمد بن سهل النوفلی باشد» [۴۴، ج ۳، ص ۴۹]. این دانشمند رجال معاصر، همچنین دوباره در ذیل نام الحسن بن محمد النوفلی تأکید می‌کند: «حسن بن محمد النوفلی همان حسن بن محمد بن الفضل بن یعقوب یا حسن بن محمد بن سهل النوفلی می‌باشد» [همان، ج ۳، ص ۵۱]. بنابراین، با عنایت به سخنان این گروه از دانشمندان رجال شیعه، می‌توان گفت حسن بن محمد النوفلی الهاشمی، راوی مناظرات حضرت رضا(ع) در مرو، همان حسن بن محمد بن سهل النوفلی است که

توسط نجاشی تضعیف شده و این دو راوی، با حسن بن محمد بن الفضل بن یعقوب بن سعید بن نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب که توسط نجاشی توثیق شده است، متحد هستند. در نتیجه، راوی مناظرات مرو و صاحب کتاب ذکر مجالس الرضا(ع) مع أهل الأديان متحد و ثقة است.

براساس منابع حدیثی شیعه، بخش اعظم مناظرات حضرت رضا(ع) در مرو توسط حسن بن محمد النوفلی الهاشمی گزارش شده است [۲۱، ص ۴۱۷ و ۴۴۱؛ ۲۳، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹]. با توجه به متن روایت این مناظرات، این راوی از اصحاب و افراد مورد اعتماد حضرت است که در جلسه‌های مناظره حاضر می‌شده است. با توجه به منابع روایی و رجالی، فقط ابومحمد الحسن بن محمد بن جمهور العمی (زنده در سال ۲۹۶ق) از الحسن بن محمد بن سهل النوفلی روایت می‌کند [۴۲، ص ۳۷]. در سند مناظرات حضرت رضا(ع) در مرو، نام ابومحمد الحسن بن محمد بن جمهور العمی نیامده ولی سخن نجاشی بیانگر آن است که مراد از راوی حذف شده در سند، ابومحمد الحسن بن محمد بن جمهور العمی البصری است. در سند مذکور، أبوعمرو محمد بن عمرو بن عبدالعزیز الأنصاری الکجی، مناظرات را بی‌واسطه از الحسن بن محمد النوفلی نقل نمی‌کند بلکه می‌گوید: «حدثني من سمع الحسن بن محمد النوفلي» [۲۱، ص ۴۱۷ و ۴۴۱؛ ۲۳، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹] و واسطه میان این دو راوی مشخص نیست اما به گفته نجاشی، الحسن بن محمد بن جمهور العمی، کتاب ذکر مجالس الرضا علیه السلام مع أهل الأديان تألیف حسن بن محمد بن سهل النوفلی و همچنین کتاب کبیر و کتاب نسخه تألیف ابومحمد حسن بن محمد بن الفضل بن یعقوب بن سعید بن نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب را روایت می‌کند [۴۲، ص ۳۷ و ۵۱]. بنابراین به احتمال قوی، راوی محذوف در سند مناظره که به صورت «من سمع» به آن اشاره شده، حسن بن محمد بن جمهور العمی است.

۳.۲. ابومحمد الحسن بن محمد بن جمهور العمی البصری (زنده در سال ۲۹۶ق)

نجاشی درباره وی نوشته است: «ابومحمد، حسن بن محمد بن جمهور العمی البصری، خودش ثقة و منسوب به طایفه بنی‌العم از قبیله تمیم است که از محدثان ضعیف روایت می‌کند و بر احادیث مرسل اعتماد دارد. این موارد را اصحاب ما ذکر کرده‌اند و گفته‌اند که از پدرش موثق‌تر و صالح‌تر است و کتابی دارد به نام کتاب الواحدة که آن را احمد

بن عبدالواحد و دیگران از ابوطالب الأنباری از حسن بن محمد بن جمهور العمی البصری به ما خبر داده‌اند» [۴۲، ص ۶۲]. بنابراین، علیرغم نقل از افراد ضعیف و اعتماد به احادیث مرسل، خود راوی ثقه است.

ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ ق) به نقل از علی بن محمد السالیسی، منزلت و جایگاه علمی وی را ستوده و می‌گوید: «او از راویان اهل بیت(ع) و حاملان آثار آن‌ها در نیمه قرن سوم هجری است.» [۳، ج ۲، ص ۱۹۸] سید بن طاووس (۶۶۴ ق) نیز هنگام نقل روایت از کتاب الواحد، با عبارت «کان عالماً فاضلاً»، مراتب فضل و دانش او را ستایش کرده است [۶، ص ۹۶]. تاریخ تولد و رحلت وی معلوم نیست، ولی در سال ۲۹۶ قمری زنده بوده است و از طریق علی بن بلال البغدادی که از أصحاب امام جواد(ع) و امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) است، و از طریق پدرش محمد بن الجمهور العمی که از اصحاب امام رضا(ع) است، از امام رضا(ع) حدیث نقل می‌کند.

۳.۳. ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الانصاری الکجی (حدود ۳۴۰ ق)

نام ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز با نسبت الانصاری الکجی در هیچ‌یک از کتاب‌های رجال وجود ندارد و به اصطلاح مجهول است و فقط در سند روایت مناظرات حضرت رضا(ع) با رؤسای ادیان مختلف، عمران صابی و سلیمان مروزی در مرو آمده است [۲۱، ص ۴۱۷ و ۴۴۱؛ ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹]. شوشتری، دانشمند رجالی معاصر، ذیل نسبت الکجی می‌گوید: «منظور از الکجی در کتاب عیون اخبار الرضا(ع) همان الکشی است که بصورت ابوعمرو محمد بن عمر(انصاری) الکجی مکرر در این کتاب آمده است» [۱۹، ج ۱۲، ص ۶۶]. از سوی دیگر نام راوی مورد بحث در هیچ‌یک از کتاب‌های تاریخی، روایی و رجالی اهل سنت نیز نیامده است. متن کامل کتاب رجال کشی متأسفانه از بین رفته و معلوم نیست آیا وی در رجال خود از حسن بن محمد نوفلی و مناظرات حضرت رضا(ع) سخنی به میان آورده است یا اینکه هیچ‌گونه اشاره‌ای به آن نکرده است.

علی‌اکبر غفاری، مصحح کتاب کمال الدین صدوق می‌نویسد: «أبوعمرو البلخی أو اللجی، همانطور که در بعضی نسخه‌های کتاب کمال الدین و تمام النعمة آمده، ظاهراً همان أبوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی است که نامش بدین صورت تصحیف شده، زیرا او از غلامان محمد بن مسعود العیاشی است که از او بسیار روایت نقل می‌کند» [۲۵، ص ۲۸۶].

شاید از جانب صدوق یا نساخ، نسبت الکنجی به الکنجی تصحیف شده باشد. قرینه دیگر بر درستی نظر شوشتری و علی اکبر غفاری این است که ابوعمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز الانصاری الکنجی، روایت مناظرات مرو را از ابومحمد الحسن بن محمد بن جمهورالعمی البصری نقل می‌کند و فاصله زمانی فوت الکنجی (حدود ۳۴۰ ق) با سال ۲۹۶ قمری که هنوز ابومحمد الحسن بن محمد بن جمهورالعمی البصری زنده بوده، معقول به نظر می‌رسد. قرینه دیگر بر درستی نظر شوشتری و علی اکبر غفاری این است که نجاشی ذیل نام ابومحمد، فضل بن شاذان نیشابوری می‌نویسد: «ذکر الکنجی أنه صنف مائة و ثمانین کتاباً» یعنی، الکنجی ذکر کرده که ابومحمد، فضل بن شاذان نیشابوری، صد و هشتاد کتاب تألیف نموده که به دست ما رسیده است» [۴۲، ص ۳۰۷] و در ادامه، برخی از کتاب‌های وی را نام می‌برد؛ ضمن اینکه الکنجی معرب الکنجی و در نتیجه، الکنجی همان الکنجی است [۱۷، ج ۳، ص ۴۶۶؛ ۱۸، ج ۵، ص ۷۸]. برخی از علمای رجال توضیح نجاشی را درباره تعداد کتاب‌های فضل بن شاذان نیشابوری و ذیل نام ایشان به صورت «عن الکنجی: أنه صنف مائة و ثمانین کتاباً» [۳۴، ص ۲۹۴]، «و فی کنجی: أنه صنف مائة و ثمانین کتاباً» [۱۲، ج ۲، ص ۶۳۱]، «ذکر کنجی أنه صنف مائة و ثمانین کتاباً» [۳۵، ج ۵، ص ۱۹۷] و «مرّ قول النجاشی فی الفضل بن شاذان: قال الکنجی: ان للفضل مائة و ثمانین کتاباً» [۱۹، ج ۱۲، ص ۶۶] آورده‌اند. خوبی نیز هنگام نقل مطالب نجاشی درباره فضل بن شاذان نیشابوری می‌نویسد: «ذکر الکنجی (الکنجی) أنه صنف مائة و ثمانین کتاباً» که بیانگر این است که از نظر این عالم بزرگ رجال، املائی صحیح، الکنجی است که نجاشی به اشتباه الکنجی ثبت کرده و برای رعایت امانت، تعبیر نجاشی را در داخل پرانتز قرار داده است [۱۵، ج ۱۴، ص ۳۰۹]. سید محسن امین نیز همین مطلب را به نقل از نجاشی آورده ولی به جای الکنجی، الکنجی نوشته است [۹، ج ۱، ص ۱۴۳]. در برخی منابع [۱۰، ج ۵، ص ۱۷۱] نیز ابوعمرو محمد بن عمرو بن عبدالعزیز الانصاری الکنجی ثبت شده که ظاهراً اشتباه از سوی نساخ صورت گرفته است. اگرچه نسبت الانصاری و معنا و مفهوم آن معلوم نیست اما با اثبات اینکه الکنجی همان الکنجی است و بنابر ثقه بودن کنجی، روایت مناظرات اعتبار بیشتری می‌یابد.

تاریخ و مکان تولد و نیز تحصیلات ابوعمرو محمد بن عمرو بن عبدالعزیز الانصاری الکنجی (الکنجی) مشخص نیست اما نسبت الکنجی، منسوب به یکی از روستاهای ماوراءالنهر است [۴۸، ج ۴، ص ۴۶۲]. به هر حال، کلام نجاشی و طوسی دلالت بر آن

دارد که وی از بزرگان علمای شیعه در قرن سوم و چهارم قمری و از شاگردان خاص عیاشی، استاد جعفر بن قولویه و شیخ إجازة هارون بن موسی التلعکبری و از طبقه کلینی [۳۵، ج ۱۰، ص ۲۰] و صاحب کتاب معروف رجالی موسوم به *رجال کشی* است. نجاشی درباره این دانشمند رجالی می‌نویسد: «ابوعمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز الکشی، ثقه، بزرگوار و برگزیده قوم است و از محدثان ضعیف، فراوان روایت نقل می‌کند. وی همنشین عیاشی بود و از او اخذ حدیث نموده و در خانه عیاشی به سر می‌برد در حالیکه خانه او محل رفت و آمد دانشمندان و شیعیان بوده است. کتاب *رجال*، از اوست که دانش بسیار و اشتباهات فراوان دارد. درباره کتاب *رجال* او، أحمد بن علی بن نوح و دیگران از طریق جعفر بن محمد به ما خبر داده‌اند» [۴۲، ص ۳۷۲]. در توصیف نجاشی، نسبت الانصاری نیامده و به جای الکجی هم، الکشی ثبت شده است. عنایت الله قهپایی (زنده در ۱۰۱۱ ق) بعد از توصیف کشی به «الشیخ الجلیل المتین»، درباره قول نجاشی «و روی عن الضعفاء» می‌گوید: «با دقت در سخنان نجاشی درباره الکشی می‌توان دریافت، نقل روایت از محدثان ضعیف، ضرری به شخصیت و وثاقت وی وارد نمی‌کند زیرا بیانگر حرص الکشی در أخذ احادیث و لو از اشخاص ضعیف است.» [۳۱، ج ۶، ص ۱۰] علاوه بر این، به گفته ابوالهدی کلباسی (۱۳۵۶ق) کتاب *رجال* او فوائد بسیاری دارد و بسیاری از بزرگان مانند حسن بن محبوب نیز از اشخاص ضعیف حدیث نقل می‌کردند [۳۲، ج ۱۰، ص ۷۳]. همچنین، به گفته آقابزرگ تهرانی، کشی شاگرد محمد بن مسعود العیاشی، شیخ و استاد جعفر بن قولویه و هارون بن موسی التلعکبری و در طبقه کلینی (۳۲۹ ق) است [۱، ج ۲۱، ص ۲۶۱].

طوسی نیز می‌نویسد: «ابوعمر و الکشی، ثقه، بصیر به اخبار و *رجال* و دارای عقائدی نیکو بود. کتاب *رجال* از اوست. درباره کتاب *رجال* او، جماعتی از طریق ابومحمد هارون بن موسی از الکشی، به ما خبر داده‌اند» [۲۸، ص ۲۱۷]. وی همچنین می‌گوید: «ابوعمر و الکشی، صاحب کتاب *رجال* و از اصحاب و شاگردان خاص عیاشی، ثقه، بصیر و عالم به *رجال* و اخبار و دارای مذهب صحیح امامی است» [۲۷، ص ۴۴۰]. وی در نیمه اول قرن چهارم قمری، همزمان با کلینی می‌زیسته بسیاری از استادان و شاگردان آن دو مشترک بوده‌اند [۲۹، ص ۴]. درگذشت او را حدود ۳۴۰ ق ثبت کرده‌اند [۱۳، ج ۴، ص ۱۸۵ و ۴۴۳].

نام کتاب *رجال کشی معرفة الناقلین عن الائمة الصادقین(ع)* است [۵، ص ۱۳۷]. این کتاب، یکی از کتب اربعه رجالی شیعه و تنها تألیف اوست که اصل آن باقی نمانده است.

طوسی، کتاب مذکور را تحت عنوان «اختیار معرفة الرجال» خلاصه و تهذیب و سپس برای شاگردانش املاء کرده است. مامقانی می‌نویسد: «در میان مشایخ، معروف است که کتاب رجال کشی شامل راویان شیعه و سنی بوده که طوسی آن را تلخیص و اضافات آن را حذف کرده است» [۳۶، ج ۳، ص ۱۶۵]. با بررسی و تتبع در منابع روایی و رجالی می‌توان گفت: ابوعمر و کشی از بیش از هشتاد نفر روایت نقل کرده و از جمله کسانی است که مشایخ فراوان دارد. به گفته خویی، «از روایت جعفر بن محمد بن قولویه از کشی، همانطور که نجاشی نیز ذکر کرده است، معلوم می‌شود کشی در طبقه کلینی و افراد همانند او قرار دارد و گفته شده کشی نیز از جعفر بن محمد بن قولویه روایت کرده است» [۱۵، ج ۱۸، ص ۶۸].

۳.۴. ابومحمد الحسن بن محمد بن علی بن صدقة القمی

نام این راوی در هیچ‌یک از کتاب‌های روایی و رجالی شیعه و اهل سنت وجود ندارد و مجهول است. در میان محدثان شیعه فقط صدوق نام او را در ضمن سلسله سند روایت مناظرات حضرت رضا(ع) در مرو آورده است. [همان] مامقانی پس از اشاره به کتاب التوحید و کتاب عیون اخبارالرضا(ع) و اشاره به وجود نام وی در سلسله سند برخی روایات این دو کتاب می‌نویسد: «حاصل بحث اینکه این راوی مهمل است و لکن دست‌کم، او حسن و نیکو شمرده می‌شود و این مطلب از مضمون روایاتش و نقل روایت فقیه ایلاقی از او و قرائن دیگر فهمیده می‌شود» [۳۶، ج ۲۱، ص ۲۱]. بر اساس نقل صدوق، ابن صدقة القمی از الکجی روایت می‌کند و جعفر بن علی بن احمد الفقیه القمی ایلاقی نیز از او روایت می‌کند [۲۱، ص ۴۱۷ و ۴۴۱؛ ۲۳، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹].

۳.۵. ابومحمد جعفر بن علی بن احمد الفقیه القمی الأیلاقی

ابومحمد جعفر بن علی بن احمد القمی ایلاقی، معروف به ابن الرازی، از محدثان و فقهای قرن چهارم قمری، معاصر صدوق و صاحب تألیفات است. [۲۷، ص ۴۱۸]. در بیان طوسی توثیق صریح این راوی دیده نمی‌شود و فقط از او با عنوان صاحب المصنفات یاد کرده است ولی وی اولین نفر در باب جیم در کتاب رجال طوسی در باب «من لم یرو عنهم الاثمه» است که دلیلی بر توثیق اوست، زیرا شیخ، افراد را بر اساس وثاقتشان نام می‌برد. ابن داوود (۷۴۰ ق) این راوی را ذیل عنوان «الجزء الأول من الكتاب فی ذکر

الممدوحین و من لم یضعفهم الأصحاب فیما علمته» آورده و ثقة شمرده است: «جعفر بن علی بن أحمد القمی المعروف بابن الرازی، ابومحمد ثقة مصنف» [۴، ص ۸۶]. اینکه ابن داوود بر چه مبنایی راوی مذکور را با اینکه شیخ وی را توثیق نکرده، ثقة دانسته، موجب گفتگوی فراوان شده است. از تعبیر حدثنا از سوی شیخ صدوق و کتاب‌های وی بر می‌آید که ایلاقی یکی از مشایخ شیخ صدوق است [۲۱، ص ۴۱۷ و ۴۴۱؛ ۲۳، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹]. شیخ صدوق در کتاب‌های مختلف خود از او روایت نقل کرده و در همه آنها او را فقیه توصیف و از خداوند برای او طلب رضایت می‌کند [۲۱، ص ۴۱۷ و ۴۴۱؛ ۲۲، ص ۶؛ ۲۳، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۵۹].

خوبی و دیگران احتمال داده‌اند در نسخه‌ای از کتاب رجال شیخ طوسی که در اختیار ابن داوود بوده، این راوی توسط طوسی توثیق شده است. خوبی بعد از نقل مطالب شیخ طوسی و ابن داوود درباره ابومحمد جعفر بن علی بن أحمد القمی می‌گوید: «وجود کلمه ثقة را در نسخه ابن داوود (از کتاب رجال طوسی)، نقل مولی عنایت الله قهبائی از بعضی از نسخ رجال که دارای کلمه ثقة است، تأیید می‌کند» [۱۵، ج ۵، ص ۵۱]. بنابراین، عنایت الله قهبائی نیز این راوی را ثقة دانسته است [۳۱، ج ۲، ص ۳۱]. وحید بهبهانی نیز می‌گوید: «ظاهر این است که او از مشایخ صدوق و بر اساس آنچه که گفته شده، شیخ اجازه ایشان است لذا این مطلب (شیخ اجازه بودن) حاکی از وثاقت وی می‌باشد و هنگام نقل روایت فراوان از او، «رضی الله عنه» می‌گوید و او را فقیه توصیف می‌کند که این موارد نیز خبر از وثاقت او می‌دهد» [۴۷، ص ۸۳]. خوبی نیز بر همین معنا تأکید می‌کند: «من مشایخ الصدوق قدس سره، رضی علیه» [۱۵، ج ۵، ص ۵۱]. نمازی نیز با عناوین «من مشایخ الصدوق و هو شیخ إجازة، ثقة کما عن ابن داود و له مصنفات و بالجملة هو ثقة مصنف نقله العلامة الخوئی عن ابن داود» از او یاد نموده است [۴۴، ج ۲، ص ۱۷۲]. سبحانی با عناوین «کان فقیهاً، عیناً، عظیم الشأن، کثیر التصانیف» [۱۳، ج ۴، ص ۱۱۹]، این راوی را ستوده است. صدوق در التوحید و عیون اخبار الرضا(ع) مناظرات حضرت رضا(ع) با رؤسای ادیان و متکلمان را از وی نقل می‌کند.

با اینکه دانشمندان شیعه در وثاقت ابومحمد جعفر قمی اتفاق نظر ندارند لیکن افراد دقیقی چون سید بن طاووس، از کتاب‌های او نقل کرده‌اند که این، نشانه وثاقت اوست [۳۹، ج ۱۳، ص ۶۷]. علامه مجلسی درباره ایلاقی می‌گوید: «او از قدما است و نزدیک به عصر شیخ مفید یا معاصر او. کلینی و صدوق از او روایت می‌کنند و همچنین در سلسله

اسناد تفسیر امام حسن عسکری(ع) آمده است و سید بن طاووس از کتاب‌های او در اقبال و غیر آن نقل روایت کرده است و این عمل، مؤید توثیق و اعتماد بر ایشان است و شهید ثانی از بعضی کتاب‌های این راوی در شرح ارشاد ذیل عنوان «فضل صلاة الجماعة» و همچنین دیگر فضلاء از کتاب‌های او روایت نقل نموده‌اند» [۳۷، ج ۱۰، ص ۳۷] این سخن که بیانگر اعتماد علمای شیعه به این راوی است. محدث نوری نیز می‌گوید: «او از مؤلفان معروف و بزرگان حدیث است و تألیفات او بین علماء دست به دست می‌گردد. او در طبقه شیخ مفید و ابن غضائری و همانند آن‌دو و بلکه در طبقه صدوق است و از همه آنچه بیان کردیم معلوم می‌شود او از علمای معروفی است که احتیاج به تزکیه و توثیق ندارد و داخل در جمعی است که شهید ثانی در شرح الدرایه گفته است: «مشایخ مشهور ما از زمان کلینی تاکنون هیچ کدام به خاطر ثقه بودنشان در هر زمان، و تقوای فوق‌العاده‌شان نیاز به تزکیه ندارند» [۴۶، ج ۱، ص ۱۰۶].

سید محسن امین، بعد از نقل اقوال مختلف، می‌گوید: «از آنچه گذشت، دانسته می‌شود که شایسته نیست در وثاقت و جلالت او تأمل کنیم و اگر صدوق او را به فقیه توصیف نمی‌کرد نیز کافی بود و همین که صدوق از او حدیث نقل کرده، دلیل بر توثیق اوست و توصیف صدوق بر فقیه بودن او دلالت دارد» [۹، ج ۴، ص ۸۲]. شیخ عباس قمی که نام او را جعفر بن احمد بن علی القمی ثبت کرده و با عناوین «شیخنا الأجل الأقدم، المؤید المسدد، الفقیه النبیه، المحدث المتتبع، صاحب التصانیف الکثیره» از او ستایش می‌کند؛ با اظهار تعجب و گلایه می‌گوید: «این سستی علمای رجال، جای تعجب دارد که این شیخ بزرگ جلیل‌القدر را با این همه کتاب ذکر نکرده‌اند و هیچ‌گونه اشاره‌ای به زندگی و آثارش نداشته‌اند!» [۳۰، ص ۱۱۹ و ۱۲۲]. شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز او را ثقه معرفی می‌کند [۲، ص ۷۱]. محمد بن جعفر الدقاق، راوی تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) نیز وی را فقیه می‌شمارد [۴۵، ج ۱، ص ۱۰۶]. حر عاملی نیز ابن‌الرازی را به نقل از ابن داوود، ثقه دانسته و گفته است: ابن داوود این مطلب را از طوسی نقل کرده است [۱۴، ج ۲۰، ص ۱۵۴]. تعجب از سید علی بروجردی است که نوشته: «کسی او را مدح و ذم نکرده است» [۱۲، ج ۱، ص ۱۶۲] زیرا همانطور که در مطالب پیشین گذشت، بسیاری وی را ستوده‌اند! بله، هیچ کس این راوی را مورد طعن و ذم قرار نداده است. ابوالقاسم نراقی نیز این راوی را ثقه معرفی کرده است [۴۳، ص ۶۰]. بنابراین، تردیدی در توثیق این راوی باقی نمی‌ماند. محدث نوری نیز به تفصیل درباره آثار و فضائل راوی

مورد بحث گفتگو نموده است [۴۶، ج ۳، ص ۳۰۸] به طوری که نمازی، دانشمند رجالی معاصر می‌گوید: «شیخ ما علامه نوری در المستدرک عظمت شأن، جلالت و وثاقت أبومحمد جعفر بن علی بن أحمد القمّی الایلاقی را اثبات نموده است» [۴۴، ج ۲، ص ۱۴۰]، لذا می‌توان گفت: دانشمندان شیعه و اهل سنت از أبومحمد جعفر بن أحمد بن علی قمی با عناوین صاحب المصنفات [۲۷، ص ۴۱۸]، ثقة مصنف [۴، ص ۸۶]، الشیخ الفقیه [۹، ج ۴، ص ۸۲؛ ۱۱، ج ۱۰، ص ۱۴۷؛ ۳۷، ج ۱۰، ص ۷۳]، ثقة علی الاقوی [۱۹، ج ۲، ص ۶۴۱؛ ۳۶، ج ۱، ص ۲۱۹]، من مشایخ الصدوق أبی جعفر محمد بن علی بن بابویه [۱، ج ۸، ص ۲۳۳]، عاصر الصدوق و روی کلّ منهما عن الآخر و کان فقیهاً، عیناً، عظیم الشأن، کثیر التصانیف [۱۳، ج ۴، ص ۱۲۰] و الثقة المعتمد [۴۴، ج ۷، ص ۲۲] یاد کرده و مورد ستایش قرار داده‌اند که نشان از جایگاه رفیع علمی و دینی ایشان دارد. بنا بر نقل محدث نوری، أبوالفتح الکرّاجکی (۴۴۹ ق) در الفهرست خود گفته است: «أبومحمد جعفر بن علی بن أحمد القمّی الایلاقی در قم و ری دو بیست و بیست کتاب تألیف کرده است [۴۶، ج ۳، ص ۳۰۸] که متأسفانه به جز شش کتاب، بقیه کتاب‌ها از بین رفته است. مجلسی (۱۱۱۰ ق) از کتاب‌های ایشان زیاد نقل [۴۴، ج ۲، ص ۱۴۰] و اسامی برخی از کتب این راوی را نقل کرده است [۳۷، ج ۱۰، ص ۱۹ و ج ۷۳، ص ۲۲ و ج ۸۶، ص ۲۰۸]؛ کتاب جامع الاحادیث النبویة، العروس، الغایات، المسلسلات الاعمال، نوادر الاثر فی علی(ع) خیر البشر و الاعمال المانعة من دخول الجنة این راوی به دست ما رسیده است و این شش کتاب مجموعاً با عنوان جامع الاحادیث توسط انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است.

نتیجه‌گیری

نتایجی که از این پژوهش به دست می‌آید و به طور خلاصه می‌توان به آن اشاره کرد عبارتست از:

۱- ادعای «روای این خبر (مناظرات خراسان) همه مهمل‌اند، یعنی در کتب رجال

ذکر نشده‌اند»، به دلایل زیر صحیح نیست:

الف - رجال سند مناظرات حضرت رضا(ع) با رؤسای ادیان مختلف و متکلمان مسلمان و غیرمسلمان در خراسان، به جز یکی از آن‌ها در کتاب‌های رجال و با اندکی اختلاف در ضبط اسامی توثیق شده‌اند؛ از جمله حسن بن محمد النوفلی الهاشمی،

ابوعمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز الانصاری الکجی و ابومحمد جعفر بن علی بن احمد الفقیه القمی الأیلاقی.

ب - یکی از رجال سند مناظرات خراسان به نام «ابومحمد الحسن بن محمد بن علی بن صدقة القمی» با اینکه در کتاب‌های رجال متقدم نیامده است اما از سوی دانشمند رجالی معاصر، مامقانی، نیکو و حسن شمرده شده است.

ج - یکی از راویان سند مناظرات خراسان که تصریح به نام او نشده و با عبارت «حدثنی من سمع» به آن اشاره شده است، «ابومحمد الحسن بن محمد بن جمهور العمی البصری است که ثقة می‌باشد.

۲- سند حدیث مناظرات خراسان در اصطلاح حدیث، به دلیل عدم ذکر یکی از راویان در سلسله سند، مرسل و منقطع و به دلیل عدم بیان این مناظرات از سوی دیگر راویان، خبر واحد و در نتیجه، ضعیف است اما به دلیل نقل اولیه در کتاب‌های معتبر *عیون اخبار الرضا(ع)* و *التوحید* توسط عالم مورد اعتماد و موثق (صدوق) و سپس نقل مکرر در اعصار بعدی در منابع متعدد حدیثی شیعه به نقل از وی، از حیث سند، حدیث ضعیف مقبول تلقی شده است.

۳- با اینکه محمد بن الفضل الهاشمی، تنها راوی مناظرات حضرت رضا(ع) در عراق، ثقة و مورد اعتماد است، ولی در اصطلاح حدیث، به دلیل عدم ذکر سلسله رجال سند روایت مناظره بعد از راوی اول، روایت مناظره، مرسل و منفصل است و به دلیل عدم نقل از سوی دیگر راویان، خبر واحد و در نتیجه ضعیف است اما به دلیل نقل اولیه در *الخراج و الجرائح* توسط عالم مورد اعتماد و موثق، قطب الدین راوندی و سپس نقل مکرر در اعصار بعدی در منابع مختلف حدیثی شیعه به نقل از وی، از حیث سند حدیث، ضعیف مقبول تلقی شده است.

۴- بسیاری از احادیث از جمله حدیث مناظرات حضرت رضا(ع) بنا بر نظر و ملاک متأخران شیعه، یعنی از زمان علامه حلی (۶۷۷ ق) و سید بن طاووس (۶۷۳ ق) به بعد، ضعیف تلقی می‌شوند اما طبق عقیده قدماى امامیه، صحیح هستند زیرا آنان مانند صدوق و قطب الدین راوندی (۵۷۳ ق) ملاک صحت احادیث را وثوق و اعتماد به صدور حدیث از معصوم(ع) می‌دانستند لذا حدیث مناظرات را موثوق الصدور دانسته و در کتاب‌های خود آورده‌اند.

منابع

- [۱]. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، ناشر: دارالأضواء، الطبعة الثانية.
- [۲]. همو، (بی تا). *طبقات اعلام الشیعه*. تحقیق: علینقی منزوی، قم، ناشر: اسماعیلیان.
- [۳]. ابن حجر، احمد (۱۳۹۰ق). *لسان المیزان*. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.
- [۴]. ابن داوود، حسن (۱۳۹۲ق). *کتاب الرجال*. تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، النجف، منشورات مطبعة الحیدریة.
- [۵]. ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۸۰ق). *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا*. نجف، المطبعة الحیدریة.
- [۶]. ابن طاووس، علی (۱۳۶۳ش). *فرج المهموم*. قم، منشورات الرضی.
- [۷]. همو (بی تا)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، تهران، کتابخانه سنائی.
- [۸]. ابوالفرج اصفهانی، علی (۱۴۱۴ق). *الاعانی*. دار إحياء التراث العربی.
- [۹]. امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعة*، بیروت، ناشر: دارالتعارف للمطبوعات.
- [۱۰]. بحرانی، سید هاشم (بی تا). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم، تحقیق و نشر: مؤسسة البعثة.
- [۱۱]. بحرانی، یوسف (بی تا). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*. تحقیق: محمد تقی الایروانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- [۱۲]. بروجردی، سید علی (۱۴۱۰ق). *طرائف المقال*. تحقیق: سید مهدی الرجائی، مكتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
- [۱۳]. جمعی از مولفان (۱۴۱۸ق). *موسوعة طبقات الفقهاء*. تحقیق و اشراف: جعفر سبحانی، قم، مؤسسة الإمام الصادق^(ع).
- [۱۴]. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشیعة*. قم، مؤسسة آل البيت(ع) لإحياء التراث، الطبعة الثانية.
- [۱۵]. خوبی، ابو القاسم (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*. النجف، مطبعة الآداب، الطبعة الخامسة.
- [۱۶]. راوندی، سعید بن عبدالله (۱۴۱۹ق). *الخرائج و الجرائح*. تحقیق: مؤسسة الإمام المهدي(ع) بإشراف محمد باقر الموحّد الأبطحی، قم، مؤسسة الإمام المهدي(ع).
- [۱۷]. زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تحقیق: علی شیری، بیروت، ناشر: دار الفكر.
- [۱۸]. سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸ق). *الأنساب*، تحقیق: عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالجنان.
- [۱۹]. شوشتری، محمد تقی (۱۴۲۵ق). *قاموس الرجال*. قم، تحقیق و نشر: مؤسسة النشر الإسلامی.

- [۲۰]. صادقیان، محمد (۱۳۸۸ش). مجموعه مقالات دومین همایش علمی - پژوهشی جلوه‌های معرفتی در مناظرات و بیانات رضوی، زنجان، انتشارات صفوی.
- [۲۱]. صدوق، محمد بن علی (بی تا). *التوحید*، تحقیق: هاشم الحسینی الطهرانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۲۲]. همو (۱۳۷۹ش). *معانی الأخبار*. تحقیق و تعلیق: علی أكبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۲۳]. همو (۱۴۰۴ق). *عیون أخبار الرضا(ع)*، تصحیح و تعلیق: شیخ حسین الأعلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- [۲۴]. همو (۱۳۷۲ش). *ترجمه عیون أخبار الرضا(ع)*، مترجم، علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، تهران، نشر صدوق.
- [۲۵]. همو (۱۴۰۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*. تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۲۶]. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش). *تهذیب الأحکام*. تحقیق و تعلیق: سید حسن الموسوی الخراسان، طهران، دار الکتب الإسلامیة، الطبعة الرابعة.
- [۲۷]. همو (۱۴۱۵ق). *رجال*. تحقیق: جواد القیومی، قم، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی.
- [۲۸]. همو (بی تا). *الفهرست*. قم، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة.
- [۲۹]. همو (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفة الرجال*. تحقیق: میر داماد الأسترابادی و سید مهدی الرجائی، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- [۳۰]. قمی، عباس (۱۳۸۵ش). *فوائد الرضوية فی احوال علماء المذهب الجعفرية*. قم، بوستان کتاب.
- [۳۱]. قهپایی، عنایت الله (۱۳۶۴ش). *مجمع الرجال*. تحقیق: ضیاء الدین علامه، قم، اسماعیلیان.
- [۳۲]. کلباسی، ابوالهدی (۱۴۱۹ق). *سماة المقال فی علم الرجال*. تحقیق: السید محمد الحسینی القزوینی، قم، مؤسسه ولی العصر^(ع) للدراسات الإسلامیة.
- [۳۳]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ق). *الفروع من الکافی*، تحقیق: علی أكبر الغفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم.
- [۳۴]. کنی، ملا علی (۱۴۲۱ق). *توضیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق: محمد حسین مولوی، قم، دارالحدیث.
- [۳۵]. مازندرانی، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق). *منتهی المقال فی احوال الرجال*. قم، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- [۳۶]. مامقانی، عبدالله (۱۴۲۳ق). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. تحقیق: محمد رضا مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- [۳۷]. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية.

- [۳۸]. مجلسی، محمدتقی (۱۳۹۹ق). *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*. تحقیق و تعلیق: سیدحسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیور.
- [۳۹]. مردی قشلاقی، عباسعلی (۱۳۸۲ش). «ابو محمد جعفر بن احمد ایلاقی قمی»، ستارگان حرم، جلد ۱۳، صفحه ۶۶-۸۸.
- [۴۰]. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴ش). اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب(ع). قم، انصاریان.
- [۴۱]. معارف، مجید (۱۳۸۶ش). *تاریخ عمومی حدیث*. تهران، انتشارات کویر، چاپ یازدهم.
- [۴۲]. نجاشی، أحمد بن علی (۱۴۱۶ق). *فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)*. قم، مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الخامسة.
- [۴۳]. نراقی، میرزا ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *شعب المقال فی درجات الرجال*. تحقیق: محسن احمدی، قم، مؤتمر المحقق النراقی، چاپ دوم.
- [۴۴]. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۲ق). *مستدرکات علم رجال الحدیث*. اصفهان.
- [۴۵]. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۱۵ق). *خاتمة المستدرک*. تحقیق: مؤسسه آل البيت(ع). قم، مؤسسه آل البيت(ع) لإحياء التراث.
- [۴۶]. همو (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. تحقیق: مؤسسه آل البيت(ع)، بیروت، مؤسسه آل البيت(ع) لإحياء التراث، الطبعة الثانية.
- [۴۷]. وحید بهبهانی، محمد باقر (۱۳۹۱ش). *تعلیقة علی منهج المقال*، نرم افزار مکتبه اهل بیت(ع)، نسخه دوم.
- [۴۸]. یاقوت حموی، ابو عبدالله بن عبدالله (۱۳۹۷ق). *معجم البلدان*. بیروت، دار صادر.

